



## درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۲۲ مهر ۱۳۹۱

مصادف با: ۲۶ ذی القعدة ۱۴۳۳

جلسه: ۵

موضوع کلی: تحریف در قرآن

موضوع جزئی: ادله تحریف

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بحث در ادله قائلین به تحریف در قرآن بود، دلیل اول از ادله قائلین به تحریف ذکر و مورد نقد و اشکال قرار گرفت.

### دلیل دوم:

دلیل دوم که بعضی از جمله صاحب مستدرک الوسائل آن را نقل کرده‌اند این است که ایشان می‌فرمایند در اینکه امیرالمؤمنین (ع) مصحفی داشته که غیر از این مصحف موجود نزد مسلمین است تردیدی نیست، بعد از رحلت رسول گرامی اسلام امیرالمؤمنین علی (ع) قرآنی را که در زمان پیامبر (ص) و به امر ایشان جمع‌آوری کرده بود بر پشت شتر گذاشت و به مسجد آورد لکن بعضی از اعضاء کمیته یکسان سازی مصاحف گفتند ما نیازی به قرآن تو نداریم و ما خود این کار را انجام می‌دهیم و علی (ع) هم فرمودند بعد از این کسی این قرآن را نخواهد دید و آن را به خانه برگرداند و مردم از آن قرآن محروم شدند.

در این که چنین قرآنی بوده تردیدی نیست و روایات زیادی این مطلب را نقل کرده، بعضی از روایات دلالت دارد بر اینکه این قرآن مشتمل بر مطالبی بوده که در قرآن فعلی وجود ندارد، لازمه این ادعا که قرآن علی (ع) مطالبی داشته و دارد که در این قرآنی که در دست ماست مشاهده نمی‌شود نقص این قرآن نسبت به قرآن امیرالمؤمنین علی (ع) می‌باشد. پس اصل ادعای قائل به تحریف این است که این قرآن ناقص و بخش‌هایی از آن دچار نقص شده است، چون اصل وجود قرآنی به نام قرآن علی (ع) مسلم است و هم‌چنین به حسب روایات، مسلم است که قرآن علی (ع) مشتمل بر مطالبی بوده که آن مطالب در قرآن فعلی وجود ندارد. نتیجه این مطلب این است که قرآن فعلی دچار نقص است و این همان ادعای قائل به تحریف قرآن است.

روایات در این رابطه زیاد است، در اصول کافی بابی تحت عنوان مصحف امیرالمؤمنین (ع) منعقد شده مثلاً در بعضی از روایات آمده که علی (ع) به جماعتی از انصار و مهاجرین برخورد کرد و خطاب به طلحه فرمود: «یا طلحه ان کل آیه انزله الله تعالی علی محمد (ص) عندی باملاء رسول الله و خط یدی و تأویل کل آیه انزله الله تعالی علی محمد (ص) و کل حلال او حرام او حد او حکم او شیء تحتاج الیه الامة الی یوم القيامة فهو عندی مکتوب باملاء رسول الله (ص) و خط یدی حتی أُرش الخدش»، مضمون این روایت این است که هر آنچه که خداوند تبارک و تعالی بر پیامبر (ص) نازل کرده نزد من و به املاء خود رسول الله (ص) وجود دارد، رسول خدا (ص) املاء فرموده و من هم نوشته‌ام، تأویل هر آیه‌ای

که خداوند تبارک و تعالی نازل کرده نزد من است و همه امور از حلال و حرام یا حدود یا حکم یا هر چیزی که امت به آن نیاز دارد را پیامبر (ص) املاء فرموده و من به دست خودم آنها را نوشته‌ام حتی ارش خدش یعنی حتی دیه و خسارت کوچک‌ترین جراحت هم نوشته شده است.

ما به مناسبت درباره این روایات در بحث گستردگی احکام شرعیه در مباحث اصول مفصل بحث کردیم، بعضی از روایات دال بر همین معنی است و ما در آنجا این بحث را داشتیم که عدم خلو واقعه عن الحكم الشرعی آیا به این معناست که حکم همه امور این عالم از قبل مشخص شده و در دامنه شمول احکام شرعیه نسبت به همه امور این عالم بحثی داشتیم که این روایات را آنجا تفصیلاً بیان کردیم اما آنچه که فعلاً در اینجا مورد نظر است این است که علی (ع) قرآنی داشته که مشتمل بر مطالبی بوده که در قرآن فعلی وجود ندارد.

در روایتی دیگر از ابی جعفر (ع) نقل شده «ما يستطيع احدٌ ان يدعی ان عنده جميع القرآن كله ظاهره و باطنه غیر الاوصیاء» هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که همه قرآن نزد اوست الا اوصیاء. معنای این روایت این است که جميع القرآن نزد غیر اوصیاء نیست پس معلوم می‌شود قرآنی که نزد ماست نسبت به اصل قرآن نقص و کمبود دارد.

در روایت دیگر از امام باقر (ع) نقل شده که راوی می‌گوید: «سمعتُ ابا جعفر (ع) يقول ما ادعی احدٌ من الناس انه جمیع القرآن کله كما أنزل الا کذاب و ما جمعه و حفظه كما نزله الله تعالی الا علی بن ابیطالب (ع) و الائمه (ع) من بعده»، هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که همه قرآن را آن چنان که نازل شده جمع کرده مگر کسی که کذاب و دروغ‌گو باشد و فقط امیرالمؤمنین علی (ع) و ائمه بعد از او می‌باشند که قرآن را آن گونه که نازل شده، جمع و حفظ کرده‌اند.

این روایت هم دلالت بر این دارد که قرآنی که نزد ماست آن گونه که خدا نازل کرده که جامع همه چیز باشد نیست پس این قرآن ناقص است.

به هر حال روایات در این باب زیاد است و آنچه که از این روایات استفاده می‌شود این است که علی (ع) مصحفی داشته که با قرآن موجود نزد ما مغایر است.

ممکن است گفته شود از کجا معلوم قرآنی که نزد علی (ع) بود اصل بوده و قرآن فعلی که نزد ماست باید با آن سنجیده شود؟ چه بسا عکس باشد و قرآنی که اکنون نزد ماست اصل باشد و قرآنی که نزد علی (ع) بوده زیاده داشته است پس این مطلب نمی‌تواند تحریف به نقیصه در قرآن فعلی را ثابت کند چون باید فرض گرفته شود که مصحف امیرالمؤمنین (ع) اصل است و قرآن فعلی نسبت به آن ناقص است.

پاسخ این است که از آنجایی که علی مع الحق و الحق مع علی، معلوم می‌شود قرآنی که نزد علی (ع) بوده اصل است و این قرآن چون نسبت به مصحف علی (ع) نقیصه دارد پس چاره‌ای جز قول به وقوع تحریف در قرآن نیست.

**بررسی دلیل دوم:**

عمده این است که ببینیم روایات بر چه چیزی دلالت می‌کند، آیا مفاد روایات با مدعای مستدل منطبق است یا نه؟ مستدل ادعای تحریف به نقیصه دارد اما مفاد روایات این است که قرآن امیرالمؤمنین (ع) بیشتر از قرآنی است که نزد ماست و لازمه این مطلب آن است که قرآن فعلی ناقص است. برای این منظور بهتر است که تفاوت‌های قرآنی که نزد علی (ع) بوده را با قرآن موجود بسنجیم و ببینیم این تفاوت‌ها چیست؛ چون تا این تفاوت‌ها را ندانیم نمی‌توانیم درباره این مطلب قضاوت کنیم و برای فهم این تفاوت‌ها هم چاره‌ای نداریم جز این که به سراغ روایات برویم.

یکی از تفاوت‌ها، تفاوت از حیث ترتیب سور است، ما به مناسبت در گذشته بحث کردیم که آیا قرآن فعلی در زمان رسول خدا (ص) جمع‌آوری شد یا بعد از ایشان و هم‌چنین بحث کردیم که ترتیب بین آیات و سور و قرار دادن آیات در جاهای مختلف چگونه بوده است و در این رابطه به تفصیل سخن گفتیم و عرض کردیم آنچه مسلم است این است که ترتیب بین آیات در زمان رسول اکرم (ص) واقع شده اما ترتیب بین سور محل اختلاف است که بعضی معتقدند ترتیب بین سور هم در زمان رسول خدا و به امر ایشان بوده و بعضی دیگر معتقدند ترتیب بین سور بعد از زمان رسول خدا ایجاد شده گرچه بعضی در مورد ترتیب بین آیات هم معتقدند که این عمل به اجتهاد صحابه واقع شده و صحابه اجتهاد کرده‌اند و بعضی از آیاتی که در آنها اختلاف بوده را مشخص کرده‌اند. این خیلی مهم نیست بلکه مهم این است که قرآنی که نزد امیرالمؤمنین (ع) بوده بر اساس بعضی از روایات از حیث ترتیب سور با قرآن فعلی تفاوت دارد مثلاً در روایت آمده که ترتیب قرآن علی (ع) بر اساس ترتیب نزول بوده مثلاً اول سوره علق و بعد مدثر و بعد مزمل و بعد هم سوره‌های دیگر به ترتیب نزول آنها آمده است، پس بر اساس روایات در اصل این تفاوت و تغایر تردیدی نیست لکن باید ببینیم آیا تغایر از حیث ترتیب سور می‌تواند لطمه‌ای به قرآن موجود بزند و آیا این تغایر مثبت ادعای قائل به تحریف است یا نه؟ عرض کردیم در چگونگی ترتیب سور اختلاف است؛ بعضی مدعی هستند ترتیب سور هم توقیفی است یعنی متوقف بر بیان از ناحیه پیامبر (ص) است و بعضی دیگر می‌گویند توقیفی نیست، به‌رحال اصل ترتیب سور و اعتقاد به اینکه این امر در زمان پیامبر (ص) واقع شده محل اختلاف است که جمع زیادی از مفسرین اهل سنت معتقدند که این به دستور پیامبر (ص) نبوده و بعضی هم معتقدند ترتیب سور توقیفی است و از ناحیه رسول خدا و به دستور جبرائیل واقع شده ولی نکته مهم این است که اختلاف از حیث ترتیب سور چه آن را توقیفی بدانیم و چه توقیفی ندانیم برای اثبات قول به تحریف کافی نیست؛ چون قائل به تحریف مدعی نقیصه در قرآن است و اگر ثابت شود اختلاف بین قرآن موجود و قرآن امیرالمؤمنین (ع) از حیث ترتیب سور است، این اثبات نقص قرآن موجود از قرآن علی (ع) را نمی‌کند و نهایت این است که ترتیب سور متفاوت است و با این ادعا تحریف قرآن به نقیصه ثابت نمی‌شود.

تغایر دیگر این که قرآن امیرالمؤمنین علی (ع) نسبت به قرآن موجود اضافاتی داشته که این مطلب هم از روایات بدست می‌آید و روایات دلالت می‌کند بر اینکه مطالبی در قرآن علی (ع) وجود داشته که در قرآن فعلی نیست و این بدین معناست که قرآن فعلی ناقص است ولی این صحیح نیست چون اضافاتی که در قرآن علی (ع) وجود داشته تأویلات،

تفسیرها، شأن نزولها، بیان متشابهات و ناسخ و منسوخها بوده یعنی مجموعه اموری که اگر بیان می‌شد دیگر هیچ جای ابهامی در قرآن باقی نمی‌ماند و همه چیز کاملاً روشن می‌شد، پس قرآن علی(ع) همین قرآن فعلی است و اضافات آن در واقع شرح و تفسیر و تبیین شأن نزول و تأویلات و بیان متشابهات و امثال آن است لذا بین مدعای قائل به تحریف و دلیلی که اقامه کرد تفاوت وجود دارد، ما هم قبول داریم که تفسیر قرآن یکی از معانی تحریف است اما از تحریف‌های ممنوع نیست. به هر حال تغایر قرآن علی(ع) با قرآن موجود یا از حیث ترتیب سور است و یا از حیث اضافات و از هر جهت که باشد به هیچ وجه نمی‌تواند مدعای مستدل را ثابت کند یعنی نمی‌تواند نقیصه را در قرآن فعلی اثبات کند تا ما ملتزم به وقوع تحریف به نقیصه در قرآن شویم.

«والحمد لله رب العالمین»